

راز گودال های دریاچه سبز

لوییس ساکر

ترجمه: مهدی بافقوا



انتشارات رسپینا

سرشناسه : ساکار، لوئیس، ۱۹۵۴ - م. Sachar, Louis
عنوان و نام پدیدآور : راز گودال های دریاچه سبز / نوشته لوئیس ساکار؛ ترجمه مهدی باتقوا.
مشخصات نشر : تهران : رسپینا، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری : ۲۴۸ ص.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۵۵۹-۴۶-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : عنوان اصل : Holes, c۲۰۰۸.
کتاب حاضر نخستین بار در سال ۱۳۷۹ تحت عنوان "آخرین گودال" با
ترجمه حسین ابراهیمی (الوند) توسط انتشارات قدیانی، کتابهای بنفشه
منتشر شده است.

عنوان دیگر : آخرین گودال.
موضوع : داستان های آمریکایی -- قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده : باتقوا، مهدی، ۱۳۵۴ -، مترجم
رده بندی کنکورد : PS۳۵۶۳ / ۱۲۹۰ الف ۷۱۳
رده بندی دیویی : [ج] ۸۱۲/۵۴
شماره کتابشناسی ملی : ۲۵۴۲۲۹۲

انتشارات رسپینا

HOLES

راز گودال های دریاچه سبز

نویسنده : لوئیس ساکار

مترجم : مهدی باتقوا

چاپ اول: ۱۳۹۲

تیراژ: ۵۰۰

قیمت : ۱۰۰۰۰ تومان

حروفنگاری و صفحه آرایی: رسپینا

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: اطلس

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۸۵۵۹-۱۳-۳

تهران- خیابان انقلاب، روبروی در اصلی دانشگاه تهران، خیابان فخر رازی

ابتدای وحید نظری شرقی، کوچه قدیری، شماره ۲۳، واحد ۸

تلفن: ۶۶۴۰۲۳۳۳ و ۰۲۱ ۶۶۹۷۴۰۳۰ تلفکس ۶۶۹۷۴۱۶۱

E-mail: raspina_pub@yahoo.com

کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است.

مقدمه

به استانی بیلناتس حق انتخاب داده شد. قاضی به او گفت: یا باید به زندان بروی یا به اردوگاه دریاچه سبز. استانی خانواده فقیری داشت. او تا به حال به هیچ اردو یا اردوگاهی نرفته بود.

تا این جای داستان به نظر می‌رسد که برای استانی حکم منصفانه و بسیار راحتی بریده شده است چرا که او به اندازه من و شما بیگناه بوده، اشتباهی دستگیر شده است. اما استانی را به جایی که انتظارش را داشت نبردند. اردوگاه دریاچه سبز شبیه هیچ اردوگاه تفریحی‌ای نیست.

اردوگاهی است که از آن نه اردویی بیرون می‌آید نه دریاچه‌ای دارد و نه سبزی‌ای. یعنی جایی است که هیچ کس آن جا را برای گذران تعطیلات تابستانی انتخاب نخواهد کرد. این جا زمانی دور دریاچه‌ای داشته و سبز هم بوده اما حالا در گوشه‌ای از تگزاس، بدون آب، خشک و لم‌پرورع و پر از گودال‌هایی که مشخص نیست برای چه کنده شده‌اند، قرار گرفته است. گودال‌های بی شماری که توسط پسران حاضر در اردوگاه کنده شده‌اند. این جا همه چیز راز آلود است. از علت حضور نوجوانان بزهکار گرفته تا کندن گودال‌ها و این که چرا باید گودال بکنند و این که چرا باید گودال‌ها به یک اندازه باشند و این که چرا این جا خشک شده است و این که و چندین راز که با خواندن کتاب افشا خواهد شد. البته اگر خدای ناکرده

قسمت تان شد به آن جا بروید، خواندن این کتاب کمک خواهد کرد تا از پس دشواری های چنین محلی برآیید.

و حالا چند سوال و جواب با لوئیس ساکر نویسنده این رمان که جایزه های زیادی را هم نصیبش کرده است. البته بعد از تبدیل شدن این کتاب به فیلمی سینمایی که فیلمنامه اش را هم خود لوئیس ساکر نوشت و پول خوبی هم نصیبش شد.

س: به نظرمی رسد در این داستان بیشتر به فضا و مکان شخصیت داده اید تا به خود شخصیت های انسانی؟

ج: برخلاف بقیه داستان هایم در این اثر محوریت را بر مکان گذاشته ام و آن را بیش از شخصیت هایم شرح کرده ام. داستان با مکان اردوگاه دریache سبز شروع می شود و بعد شخصیت های انسانی وارد داستان می شوند. ابتدا شما با مکان آشنا می شوید و این به درك بهتر شخصیت های انسانی کمک شایانی می کند.

س: ایده داستان از کجا آمده است؟

ج: اشتباه نشود من همسایه پسری که به اردوگاه دریache سبز رفته نیستم. راستش را بخواهید من تمام داستان را قبل از به دست گرفتن قلم برای نوشتنش نمی دانستم. من ابتدا با يك یا چند شخصیت و يك ماجرا در ذهنم آغاز می کنم و بعد از آن ماجراها و شخصیت های بعدی خود بخود وارد ماجرا می شوند. من ابتدا از اردوگاه شروع کردم و بعد شخصیت ها و ماجرا ها یکی یکی به ذهنم خطور کرد. زمانی که داستان را شروع کردم تازه چند روزی بود که از مسافرت به مکانی خنك و سبز به خانه ام که در ایالت گرم و خشك و سوزان تگزاس است برگشته بودم. کسی که هوای تگزاس را در ماه جولای درك کرده باشد می تواند بفهمد کندن گودال هایی که پسرهای داستان می کنند چقدر سخت و طاقت فرسا است حتی در حد مرگ.

س: نوشتن داستان چقدر طول کشید؟

ج: يك سال و نیم. البته قبل از تحویل به ناشر پنج بار آن را بازنویسی کردم. حالا که فکرش را می کنم می بینم که زمان محکومیت استانی قهرمان داستان (دقیقاً به اندازه طول زمان نوشتن کتاب بوده یعنی ۱۸ ماه که کاملاً اتفاقی بوده و شاید این یکی از مواردی است که می گویند به نویسندگان الهام می شود.

س: آیا شخصیت ها در داستان با آن چه در ذهن داشتید یکسان هستند؟

ج: البته که نه. گاهی وقت ها شخصیتی که انتخاب می کنید ناگهان از داخل متن بیرون می آید و احتمال قلمتان را در دست می گیرد تا به گونه ای که خودش می خواهد پرداخته شود. مثلاً در داستان سام و کیت، قرار بود کیت ز همان اول شرور باشد اما بعد ها همان شد که در داستان می خوانید.

س: چرا فکر می کنید استانی در دل نوجوانان جای خود را باز کرده است؟

ج: ببینید من تصمیم نداشتم استانی يك قهرمان و نوجوان شجاع و غیر قابل باور باشد. او اصلاً نه قهرمان است نه شخصیت قهرمان شدن دارد. و کسی است که بد شانس است و این بدشانسی در خانواده شان موروثی است اما با حضور در دریاچه سبز و از سر گذراندن ماجراهایی او قادر خواهد بود به يك قهرمان تبدیل شود. البته بی آن که خودش بخواهد.

س: برخی عقیده دارند این داستانان کمی سیاه و ترسناک است.

ج: دخترم (شری) که هنگام چاپ داستان کلاس چهارم ابتدایی بود، وقتی داستان را خواند گفت: ریس اردوگاه آدم خیلی ترسناکی است. من تعجب نکردم. البته موارد ترسناکی نظیر مارهای زنگی و بزجه های خال زرد در کتاب بود اما اصلاً دلم نمی خواست شخصیت ریس را به گونه ای بنویسم که ترسناک به نظر بیاید. حتی خود کردن گودال ها را به خاطر سختی و ناراحت کننده بودنش انتخاب نکرده بودم بلکه استعاره ای را که در آن بود دوست داشتم.

س : قسمت دومی برای این داستان با توجه به موفق بودنش در نظر خواهید گرفت؟

ج : نه. مطمئناً نه. من تمام حرف هایی را که باید در این داستان می زدم، زده ام و حرف دیگری باقی نمانده است.

جوایزی که این داستان نصیب لوئیس ساکر کرده است:

۱۹۹۹ جایزه نیربری - بهترین رمان نوجوانان آمریکا

۱۹۹۸ جایزه ملی کتاب برای ادبیات نوجوان

بهترین رمان سال برای نوجوانان

بهترین رمان نوجوان از نظر :

مجله نیویورک تایمز

مجله کتابخانه مدرسه

ناشران کتاب های هفتگی نوجوانان

و

چند نکته در باره فیلم

فیلم گودال ها بر اساس رمانی به همین نام در سال ۲۰۰۳ در آمریکا به کارگردانی اندرو دیویس و بر اساس فیلمنامه ای که خود ساکر نوشته بود به مدت ۱۱۸ دقیقه ساخته شد.

بازیگران این فیلم : شیا لابوف ، هنری وینکلر، برندن جفرسن ، جیک م. اسمیت، کلیو تامس ، بایرون کاتن ، میگل کاسترو، ماکس کاش ، سیگورنی ویور، جان وویت و تیم بلیک نلسن بودند. ساخت این فیلم به محبوبیت و شهرت لوئیس ساکر کمک کرد.